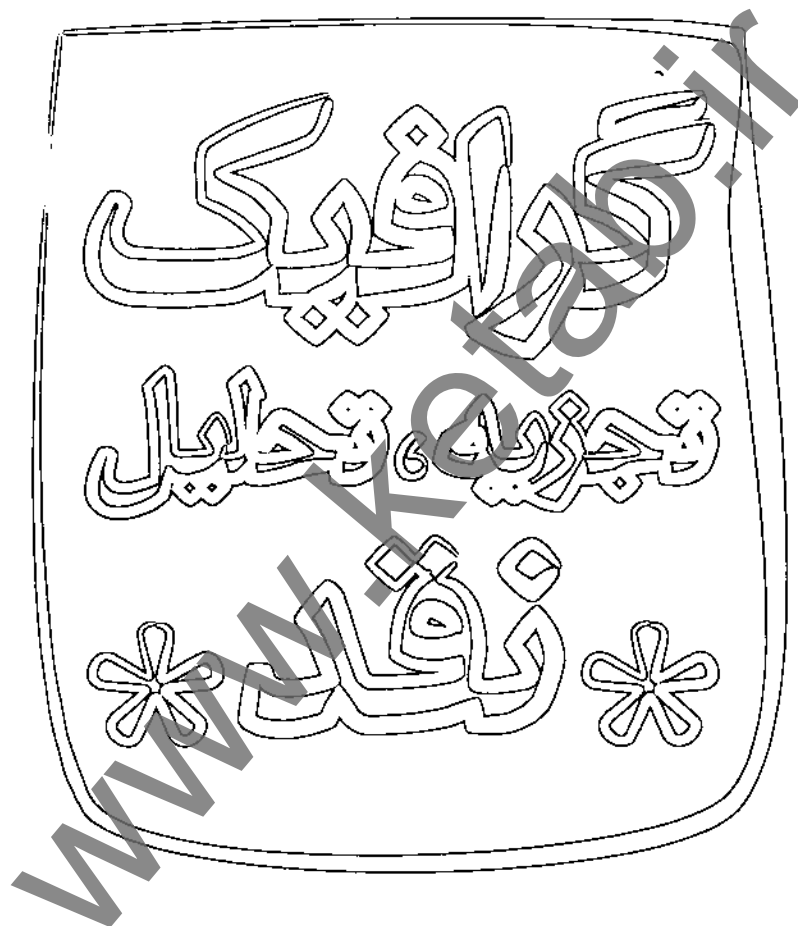




کتابخانه



علی عابدی

عابدی، علی. ۱۳۴۶ - .	سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور	گرافیک: تجزیه، تحلیل و نقد/ علی عابدی
مشخصات نشر	تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۱۹۶ ص. محور (رنگی)
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۷-۱۵-۶
فهرست‌نویس	فیبا.
موضوع	گرافیک
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ گ۲ع/۱۰۰۱ NC
رده‌بندی دیویی	۷۶۰
شماره کتابشناسی ملی	۱۳۱/۶۳۳۲



کتاب آمه

گرافیک

تجزیه، تحلیل، نقد

علی عابدی

مدیر هنری و طراح جلد: مینو سلجوقی‌نژاد

چاپ اول: ۱۳۹۱

شماره‌ی نشر: ۵۶

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ایتو گرافی پارسیان - چاپ نقره‌آبی - صحافی بهمن

بلوار کشاورز - نبش کارگر، شماره ۳۰۸ تلفن: ۶۶۹۳۹۲۴۵ - مرکز پخش ۶۶۴۸۳۰۷۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۷-۱۵-۶ Email: amehpub@yahoo.com

کلیه حقوق محفوظ است

بها: ۹۶۰۰ تومان

فهرست

۶	یادداشت مولف
۱۵	گرافیک: تقسیم بندی
۲۳	موضوع، مخاطب
۳۳	تجزیه
۴۷	تحلیل
۶۵	خط: اثر گرافیک
۷۵	خط: کادر، ترکیب بندی
۸۷	لایه بندی
۱۰۷	تعیین حروف
۱۱۲	محتوی، فرم، هماهنگی رنگی
۱۲۱	گرافیک پویا
۱۲۶	گروه بندی مخاطبین
۱۳۱	نماد و نمادشناسی
۱۳۶	جادوی زبان
۱۴۱	خلافت. کلام آخر
۱۴۱	... و سرانجام نقد

بی‌شک، آموزش می‌تواند نخستین گام در جهت توانمند شدن برای آفرینش یک اثر هنری باشد. و البته آفرینش این اثر در یک فرآیند تدریجی و چند مرحله‌ای میسر خواهد شد.

واضح است که آموزش مورد نظر به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود و بدیهی‌ترین شیوه این آموزش به دو شکل آکادمیک و تجربی میسر است که در هر صورت، محصول آن آگاهی نسبت به عوامل و ابزارهای لازم و انتخاب درست آن‌ها در جهت رسیدن به هدف مورد نظر است.

در این میان اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد، همین تشخیص هدف و داشتن حضور ذهن در گزینش ابزارهای مناسب برای نیل به آن و نیز ترتیب و تقدم به کارگیری ابزارهای مذکور و زیرشاخه‌های آن است. در حقیقت با اینکه برخورداری از دانش کافی در هر رشته از علوم ضروری است، مدیریت به کارگیری این دانش نیز از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

همچنین در برخی رشته‌های هنری - به‌ویژه گرافیک - پس از خلق محصول، لازم است تا خالق آن توضیحات مکمل را در جهت باورپذیری محصول برای سفارش‌دهنده‌ی آن ارائه دهد. تا سفارش‌مورد نظر از سوی مخاطب مورد قبول واقع شود.



آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در هنگام تصمیم‌گیری برای اتود زدنِ آرم یک شرکت فرضی، در گزینش تصویری یا نوشتاری بودنِ عنصر بصری آرم مذکور دچار تردید شده باشید و چنانچه تشخیص داده‌اید نمادهای تصویری را برگزینید، حال در چینی این نماد تصویری شک کنید؟ یا اینکه تکنیک اجرای آرم - رنگ‌های مورد استفاده، نوع فونتِ زیرنویس برای نام آرم و ... همگی برای شما به صورت مشکلاتی حل نشدنی و طاقت‌فرسا جلوه‌گر شود.

با پس از اجرای یک اثر که به مناسب و کم‌عیب بودن آن از لحاظ فنی و مفهومی اطمینان دارید، توجیه و جلب رضایت صاحب سفارش برای برگزیدن آنچه باید برگزیند، به بزرگ‌ترین مشکل دوران زندگی حرفه‌ای‌تان تبدیل شده باشد؟

شاید در دوران تحصیل، عدالت حرفه‌ای، زندگی اجتماعی و ... با کسانی برخورد داشته‌اید که با وجود خلق آثار ارزشمند هنری، ادبی و ... قادر به توصیف ویژگی‌های آنچه خلق کرده‌اند نبوده و در برابر انتقادهای اصولی و غیراصولی - و چه بسا بی‌موضوعه - از سوی منتقدان به سهولت عقب‌نشینی کرده و اثر را بدون مدافع رها می‌کنند. همچنین ممکن است با افرادی آشنا شده باشید که آثارشان از لحاظ فنی و سایر موارد، از ویژگی قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده، ولی به دلیل توانمندی‌های چشمگیر خالق آن در فن بیان و ارائه دلایل قانع‌کننده و قابل قبول برای مخاطب، به اثر جانی دوباره بخشیده‌اند.

آیا تاکنون به بعضی مصاحبه‌های همگانی که از رسانه‌های دیداری و شنیداری پخش شده‌اند توجه داشته‌اید؟ گزارشگر نظر مخاطبین و بازدید کنندگان از نمایشگاه را جویا می‌شود و پاسخ دهندگان با بیان جملاتی کلی مثل «جالب توجه بود»، «بسیار ضعیف برگزار شده»، «بسیار استفاده کردم»، «پیام خاصی نداشت» و ... به اظهارنظرهای کلی درباره نمایشگاه فرضی مذکور پرداخته و با برخی جمله‌های خود به نقد نمایشگاه پرداخته‌اند.

اما گاهی بعضی از پاسخ‌دهندگان در پاسخ به پرسش

گزارشگر، در ابتدا خود پرسش یا پرسش‌هایی را مطرح می‌سازند، و از گزارشگر می‌خواهند محدوده‌ای را برای پاسخ‌گویی آن‌ها تعریف کند. به این ترتیب که آیا پرسش گزارشگر محدود به نحوه‌ی برگزاری نمایشگاه از لحاظ نظم چیدمانی آثار می‌باشد؟

با کیفیت مفهومی آثار، شیوه و تکنیک اجرا، زمان برگزاری، کیفیت نورپردازی بر روی آنها، هارمونی مجموعه‌ی نمایشگاه و ... کدام یک مورد نظر است؟

پاسخ دهندگان گروه دوم نقد خود را در چارچوب معیارهای مشخصی مورد توجه قرار داده و پیش از نقد، نیاز به تجزیه‌ی عوامل شکل‌دهی نمایشگاه مذکور را احساس کرده‌اند. آنها همچنین ضرورت تحلیل اطلاعات را مورد توجه قرار داده و از اظهارنظرهای کلی پرهیز کرده‌اند.

پس باید توجه داشت که بیان نظرات به صورت کلی و سریع، اهمیت نقد را کم ارزش ساخته و اعتبار نظر و نظر دهنده را کاهش خواهد داد. در این حالت ممکن است که فقط مخاطب عام از پاسخی که دریافت کرده است اکتناع شود و به یقین مخاطبان خاص علاوه بر عدم رضایت از دریافت چنین پاسخی، سخت‌گیرتر شده، دقت و وسواس خود را در بررسی نظرات بعدی افزایش خواهند داد.

مثال بالا می‌تواند به موارد دیگر و از جمله نقد آثار هنری - در بحث ما بالاخص آثار گرافیک - تعمیم داده شود. توانمندی در تجزیه و تحلیل و نقد آثار گرافیک - و البته دیگر آثار - و داشتن این دانش، شما را یاری خواهد کرد تا با استفاده از اصول و قواعد لازم، در تمامی مراحل، تصمیم‌گیری و اقدام مناسب داشته باشید. توجه به این نکته ضروری است که برای توانمند بودن در تجزیه و تحلیل و نقد اثر گرافیک، لازم است، تا تمامی مراحل کسب دانش این فن را ترجیحاً به صورت آکادمیک و البته تجربی با موفقیت گذرانده باشید.

بنابراین فن تجزیه و تحلیل و نقد، بر پایه دانش کسب شده‌ی پیشین استوار خواهد بود و لذا کتاب حاضر شامل مقدماتی از دانش گرافیک، اصول و قواعد

متنوع و البته هم جهت. تجهیز کرده تا بتواند به خوبی از ایفای نقش‌های مورد اشاره در جهت ارائه نقد محکمه پسند، ضابطه‌مند و منطبق با اصول و قواعد برآید.

همچنین می‌خواهم به منتقدان جوان و کسانی که در ابتدای راه پر پیچ و خم نقد هستند توصیه‌ای داشته باشم و آن این است که تا زمانی که در انجام عمل نقد کاملاً مجرب نشده‌اند، به نام آفریننده اثر توجه نداشته باشند. چرا که به هر حال نام‌های بزرگ بر روند نقد تأثیر مستقیم داشته و این موضوع به‌ویژه در میان منتقدان کم‌تجربه پیش داوریهایی ایجاد می‌کند که نتیجه آن در بیشتر موارد تعریف و تمجید بی دلیل از اثر هنری است. البته در مواردی نادر عکس این مطلب اتفاق می‌افتد. به این ترتیب که منتقد تازه‌کار برای نشان دادن اینکه از این نام بزرگ تأثیر نگرفته و تنها نقادی مستقل ارائه می‌دهد - که البته تصور نمی‌کنم چنین باشد - تلاش خود را معطوف به یافتن ایرادی در اثر می‌کند که نتیجه چنین نقادی همان درگیر شدن در هزار توی منفی‌بانی‌هایی خواهد بود که به آن اشاره کردیم.

توجه داشته باشید که تاکید من بر این موضوع تنها شامل آن دسته از منتقدانی می‌شود که احتمال جهت‌گیری نقد آنها به دلیل کم‌تجربگی ایشان وجود دارد. اما چنانچه منتقد به مرحله‌ای از پختگی و تجربه رسیده باشد که فارغ از تأثیراتی این چنینی اثری را نقد کند، آن‌گاه حتی آگاهی از هویت هنری صاحب اثر می‌تواند تأثیرات قابل توجهی نیز به همراه داشته باشد.

به طور معمول در هر نوم تدریس درس تجزیه، تحلیل و نقد آثار گرافیک، یعنی دانشجویان از من سؤال‌هایی دارند مبنی بر اینکه آیا حقیقتاً هنرمند خالق اثر مورد نقد، مواردی را که منتقد به آنها رسیده است را مورد توجه قرار داده و در اثرش مطرح کرده است؟ به عبارت دیگر آیا ما به عنوان منتقد به واقع به نکات مورد نظر طراح و آفریننده‌ی اثر هنری اشاره می‌کنیم و یا تنها با تکیه بر فرضیه‌ها و تصورات خود آنچه را که گمان می‌کنیم شایسته‌تر است بیان می‌کنیم؟

اگر چه ممکن است این طور به نظر برسد که منتقد تنها باید به عمل نقد بپردازد اما در یک نقد صحیح، توجه به تأثیرات آموزشی نقد امری ضروری است و این آموزش زمانی کامل می‌شود که منتقد بتواند دلایل مدعای خود را بیان کرده و در صورت نیاز راهکارهایی را در جهت پوشش ضعف‌ها و برجسته‌سازی نقاط قوت مورد اشاره در نقد ارائه کند.

این موضوع به‌ویژه در دروسی که در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منظور تربیت منتقدان هنری ارائه می‌شود، بیشترین ضرورت و تأثیر را خواهد داشت.

با توجه به مواردی که به آن‌ها اشاره شد و به منظور فروکاستن از بار معنایی منفی‌ای که در پیرامون فرهنگ نقد موجود است و نیز افزایش توانایی‌گذاری جنبه‌های آموزشی در فرایند نقد، در کتاب حاضر نمونه‌های ارائه شده غالباً از میان منحصر به فردترین نمونه‌های موجود - که بالطبع از نقاط قوت بی‌شماری برخوردارند - گزینش شده‌اند. بر همین اساس نمونه‌های متنوعی نیز با هدف پرهیز از تکرار موارد ضعف توسط دیگر مجریان، ارائه و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. در اینجا قصد دارم به مطلبی اشاره کنم که - به زعم من - عمل نقد را بغرنج‌تر می‌کند و آن واحد بودن فرد منتقد و در عین حال ضرورت ایفای نقش چندگانه و متضاد از طرف اوست. شاید در یک قیاس بتوان عمل نقد را به یک دادگاه تشبیه کرد که از یک سو دارای منهم (اثر مورد نقد) و از سوی دیگر دارای قاضی، وکیل مدافع، دادستان و هیئت منصفه است. آنچه در این دادگاه همچون هر دادگاه دیگری پی‌گیری می‌شود نه از پیش محکوم کردن منهم است و نه از پیش تبرئه کردن آن. بلکه در نظر گرفتن مجموعه فرضیه‌های بی‌طرفانه‌ای است که هدف آن یافتن حقیقت است.

اما مسئله زمانی دشوار می‌شود که وظیفه چهار عامل ذکر شده دوم یعنی قاضی، وکیل مدافع، دادستان و هیأت منصفه - که وظایفی متفاوت و بعضاً متضاد نیز هستند - همگی بر دوش یک نفر خواهد بود و آن کسی نیست جز منتقد. به همین دلیل است که معتمد منتقد باید خود را به مجموعه‌ای غنی و گسترده از دانش‌های

آیا چنانچه طراح با نقد ما مواجه شود. تمام یا بیشتر گفته‌های ما را تایید می‌کند. یا از بیخ و بن اندیشه‌های منتقد را عبث دانسته و آرا و نتیجه‌گیری‌های او را در نقد اثر خود رد می‌کند؟ من در پاسخی کوتاه به آن‌ها می‌گویم: «بهترین فرض آن است که میان برداشت منتقد و هدف طراح بیشترین هماهنگی وجود داشته باشد. ولی آنچه نباید فراموش کرد این است که منتقد باید در تحلیل و نقد خود آن دسته از عواملی را مورد توجه قرار دهد که به توجیه منطقی، علمی و حسی نتیجه‌گیری‌اش کمک کرده و در نهایت به مخاطب در پذیرش نقد ارائه‌شده از سوی وی بیانجامد.

در حقیقت آنچه در نقد در درجه‌ی نخست اهمیت قرار دارد این است که موادی که از سوی منتقد کشف و بیان می‌شود تا چه حد از سوی مخاطبان باورپذیر باشد. به عبارت دیگر در نقد، اصحت و اعتبارها (آنچه حادث می‌شود) به مراتب بیشتر از حقائق (آنچه باید باشد) است.

باید به این نکته توجه داشت که توانایی منتقد در بیان و توجیه مخاطبان به هیچ وجه به این معنا نیست که او مجاز است تا هر آنچه را که بخواهد از اثر برداشت کند.

به عبارت دیگر. اگر چه یک منتقد باید با دانش هرمونیک آشنا باشد ولی به هیچ وجه نباید اساس نقد خود را بر تفسیر بنا کند.

... بی‌شک منتقد بیشتر تشخیص خواهد داد و کمتر تفسیر خواهد کرد.

اگر چه مهر تایید خالق یک اثر بر نقد منتقد می‌تواند مهم‌ترین گواه بر صحت نقد انجام شده باشد با این حال نباید فراموش کرد که بسیاری از هنرمندان بنام پس از خلق اثر هنری خود بلافاصله به سراغ نظر منتقدان رفته و حتی در بسیاری از موارد سایر آثار خود را بر اساس نقدهای پیشین منتقدین خلق می‌کنند. دیگر سخن آنکه بسیار پیش آمده که دانشجویان ارجمند ضمن ابراز محبت از سودمند بودن مباحث مطرح شده در کلاس. اصول تدریس شده را به عنوان فرمول‌هایی ثمر بخش و بدون تغییر در ذهن خود جای داده و لذا در خلق آثار

خود تنها به همان اصول و قواعد گفته شده در کلاس رجوع کرده و از خود خلاقیتی نشان نمی‌دهند.

ماحصل چنین نگرش و برداشتی. به بی‌اهمیت جلوه کردن قواعد و اصول و بی‌روح شدن و در نتیجه ناکارآمد بودن آثار خلق شده توسط این گروه خواهد انجامید. من به هنگام تدریس و نیز نگارش این کتاب تلاش کرده‌ام این نکته را یادآوری کرده و آن را در ذهن همه‌ی مخاطبان ماندگار کنم:

مهم‌ترین هدف در آموزش تجربه. تحلیل و نقد این است که آثار خلق شده توانایی لازم را برای تأثیرگذاری مناسب بر مخاطب خود داشته باشند. ما امیدواریم عمل به نکته‌های ارائه شده در آموزش‌ها این توانایی را در علاقه‌مندان به وجود آورد.

اما چنانچه به کارگیری این نکته‌ها (ولو در مواردی اندک) تأثیر گذاری اثر را به میزان قابل توجهی کاهش داد. ضروری است چاره‌ای نو اندیشه شود. به عبارت دیگر گاه لازم است جهت رسیدن به موفقیت. ساختارها را تعدیل نماییم. بنابراین توصیه می‌کنم هر گاه متوجه شدید یا به کارگیری اصول و قواعد مطرح شده در این کتاب از هدف خود دور شده‌اید و این مطالب تأثیرگذاری اثر را کاهش داده است. در آن صورت آن بخش‌هایی که مسبب چنین کاهشی بوده‌اند را فراموش کنید.

همچون همیشه لازم است سپاسگزار همسر نازنینم مینوسلجوقی نژاد باشم که فروتنانه ایرادات من را یادآوری کرد تا اصلاح شود و نیز وظیفه خود می‌دانم از فرهیخته ارجمند جناب آقای سعید اردحالی قدردانی کنم که با بردباری و صبر نسبت به این نگارش را هموار کردند.

علی عابدی
بهار ۱۳۹۰

